

از: آ. آذد نوش

دانشیار دانشگاه تهران

# نگاهی به تاریخ انتقاد در شعر جاهلی عرب

پیش از آنکه وارد بحث درمسأله بالا شویم ، خوب است اشاره کنیم که ما آنچه را بصورت خطبه و یا به عنوان نثر جاهلی به دوران پیش از اسلام نسبت داده‌اند ، از دائرة کار خود بیرون نهاده‌ایم و در اینک هیچیک از این آثار اصالت ندارند با «بلاشر» هم عقیده شده‌ایم (۱) . زیرا انتقادهائی که دانشمندان متوجه شعر جاهلی کرده‌اند ، با شدت بیشتری درباره نثر صادق است . از سوی دیگر کیفیت ظاهری این آثار شکی در جعلی بودن آنها باقی نمی‌گذارد . آن چند قطعه مرثیه کوتاه و ساده و بی‌پیرایه‌ای که میتواند بازمانده‌ای از نوحه‌گری زنان و کودکان بیابان‌نشین جاهلی باشد نیز مورد بحث ما نیست .

اولین سؤالی که در زمینه انتقاد شعر جاهلی عرب پیش می‌آید این است که آیا اعراب پیش از اسلام با هنر نگارش آشنا بوده‌اند یا نه ؟ و اگر هنر نوشتن در میان آنان موجود بوده ، مقدار انتشار آن چه بوده است ؟ و آیا هرگونه به فکرنوشتن اشعار خود افتاده‌اند یا نه ؟

برای اولین بار «کرنکو» کوشید ، طی مقاله‌ای ثابت کند که اعراب جاهلی از فن نگارش اطلاع کافی داشته‌اند . وی برای این منظور به بررسی در اشعار پیش از اسلام عرب پرداخت و ابیاتی را که در آنها به

۱ - Blachère : Histoire de la

جز اینکه در حدیث ایمان و احترام راویان به آئین‌های دینی و بیم از انتقادهای مردم باعث میشد که همه در این باب دقت بیشتری بکار بندند، اما در شعر که البته جنبه تقدس‌نداشت این مورد نیز کمتر مراعات میشد.

بنابراین میتوان گفت که شعر جاهلی پیش از آن که بوسیله قلم مقید گردد، مدت چند قرن سرگردان بود و از عصر جاهلی تا حدود قرن دوم بطور کلی از مرحله‌های ناهنجار و

Krenkow : The Use of the Writing for the Preservation of Ancient Arabic Poetry .

این مقاله در یادنامه براون ، کامبریج ۱۹۲۲ چاپ شده است.

۲ - از آن جمله اند ، ناصرالدین اسد در کتاب «مصادر الشعر الجاهلی» قاهره، ۱۹۵۶ که کوشیده وجود کتابت و انتشار همه جانبه آنرا در میان اعراب جاهلی ثابت کند . اما دکتر اسد ، در مقابل کسانی چون مارگلیوت که در نفی کتابت از اجتماع اعراب آن روزگار افراط میکنند ، پای از دائره اعتدال بیرون نهاده و هر روایت افسانه آمیز و سستی را دلیل و شاهد کتابت و انتشار آن قرار داده است .

(۳) - در این باره رگ به ،

Blachère : Histoire... ص ۸۶

(۴) - درباره خط عربی و اشتقاق آن از خط نبطی رگ به ،

Février : Histoire de l'écriture, Paris, 1959, p.172.

کتابت اشاره شده بود استخراج کرد (۱) . اخیراً گروهی از دانشمندان عرب کار او را ادامه داده بر شواهد او شواهد تازه‌تری افزودند (۲) .

اما در دلالتی که کرنکو ارائه داده است به آسانی میتوان تردید کرد (۳) . از سوی دیگر چهار پنج کتیبه‌ای که از عصر جاهلی بدست ما رسیده نشان میدهد که خط عربی تازه از خط نبطی مشتق شده و هنوز مراحل ابتدائی تحول را می‌پیماید (۴) .

در هر حال در این باره میان دانشمندان بحث‌های مفصلی در گرفته که ذکر آنها موجب اطاله کلام خواهد گردید . ما از آن‌ها چنین نتیجه می‌گیریم که نگارش در میان اعراب پیش از اسلام انتشاری سخت اندک داشته و مسلماً کسی به نوشتن شعر شاعران توجه نمی‌کرده . این بی‌توجهی حتی سال‌ها بعد از آنکه قرآن به علل دینی معرونی جمع و نوشته شد ، همچنان ادامه داشت . بنابراین شعر گذشتگان تا حدود قرن دوم هجری بصورت شفاهی از نسلی به نسلی دیگر منتقل میشد . در این میان مردانی که به راوی یا راویه شهرت یافته‌اند و ناقلین حقیقی این آثار بشمار می‌آیند ، سخت متعدد و از نژادها و قبائل مختلفی بودند که گاه نیز به مقیاس‌های اخلاقی تازیان پای‌بند نبودند . این راویان برای نقل شعر روشی برگزیده بودند که با روش اهل حدیث تفاوت چندانی نداشت ،



دانشمندان را نسبت به شعر جاهلی دریابیم ، اینک تاریخچه مختصری درچگونگی پیدایش وگسترش این انتقادها درشرق وغرب بیان میکنیم ضمن آن عقاید ونظریه های متناقضی را که ارائه شده شرح میدهیم :

### مسأله جعل در شعر جاهلی :

از قرن اول هجری که روایت شعر تقریباً بصورت «علم» و «حرفه» درسی آید ، وبخصوص در قرنهای دوم و سوم و چهارم که شعر جاهلی و اسلامی را دسته دسته در کتابها ضبط می کردند ، مسأله صحت انتساب اشعار به جاهلیان و حتی به اسلامیان مطرح بوده است . دانشمندانی چون : «ابن هشام» ، «ابن سلام» و «ابن نخاس» در اصالت مجموعه ها و قصائد معتبری تردید کرده اند . «اصمعی» می گوید : «مدتی در مدینه اقامت کردم و در آنجا هیچ قصیده ای که تصحیف نشده و یا ساختگی نباشد ، ندیدم» (۱) . هم او گوید : «بسیاری از اشعار امرؤ القیس متعلق به صعالبکی است که با او بوده اند» (۲) . از این گونه روایات

پرسنگلاخ عبور کرده است و در هر مرحله دچار زبان های فراوانی شده است :

اولاً : حافظه راویان و بدویان علی رغم نیروی شگفت آوری که داشت باز جای امنی برای قصائد بلند و اخبار بیشمار عرب نبود ، زیرا برخی شرایط نامناسب وبخصوص جنگ های مداوم قبائل ونیز فراسوشی و حتی مرگ راویان آن ها را در معرض نابودی قرار میداد .

ثانیاً : راویان ناقل این اخبار که هر یک به قبیله ای ونژادی تعلق داشتند تحت تأثیر عواملی چون حب و بغض شخصی ودینی ، نزاع های قبیله ای ونژادی ، طمع مال ، خودخواهی وعوامل روانی دیگر ممکن بود هنگام روایت ، جانب امانت را رعایت نکنند و حتی از خود اشعاری ساخته به دیگران نسبت دهند .

ثالثاً : روش روایت در نقل این سوده عظیم چندان مورد اطمینان نبود .

بنابراین ، در آن چه بعنوان شعر جاهلی می شناسیم عوامل غیر جاهلی بیشماری راه یافته است ، به آن مقدار که در روایت هیچیک از اشعار و اخبار جاهلی نمیتوان صد درصد اطمینان کرد ، چه ، حتی اگر در انتساب اثری به عصر جاهلیت شک نکنیم ، باز معلوم نیست که در کلمات وترتیب اشعار آن تغییری رخ نداده باشد .

برای اینکه مقدار اعتماد یا عدم اعتماد

۱ - سیوطی ، المزهر... تحقیق جاد المولی  
 ودیگران ، مصر ، بدون تاریخ ، ج ۲ ص ۴۱۳  
 ۲ - مرزبانی : الموشح ، قاهره ، ۱۳۴۳  
 ص ۳۴



«موسسه»، «لیال» و «برکلن» بود. معذک احساس میشد که برخی از این خاورشناسان با تردید بیشتری به مجموعه اشعار جاهلی می‌نگرند. مثلاً لیال در مقدمه‌ای که در سال ۱۹۱۸ بر جلد دوم «مفضلیات» نوشت، ضمن تأیید اکثریت شعر جاهلی به برخی از اشکالاتی که بعدها با شدت و گسترش بیشتری مورد توجه قرار گرفت اشاره کرده است. حال آنکه گفتار او در این مقدمه پاسخی است به نظریه‌های اغراق‌آمیزی که «مارگلیوث» قبل از انتشار مقاله معروف خود ابراز می‌داشته است (۴).

و نیز قبل از این تاریخ ملاحظه میشود که «هوارت» با تردید بیشتری در شعر جاهلی

۱ - در مورد انتقاد قدما بر روایت شعر جاهلی رگ به مصطفی صادق‌الرافعی، تاریخ آداب العرب، ... ص ۲۷۷ به بعد، مصادر-

الشعر الجاهلی ص ۲۲۵-۲۳۵

Ahlwardt: Bemerkungen über die Aechtheit der alten arabischen Gedichte, Greifswald, 1872.

صفحات ۲۶ به بعد

۳ - در مورد عقاید نولدکه و آهلوارد رگ به Blachère: Histoire ... p. 168

۴ - Margoliouth در مقاله «محمد» در دائرة المعارف دین و اخلاق ج ۸ ص ۸۷۴

Mohammad and the rise of Islam چاپ ۱۹۰۵ و نیز مقاله او در JRAS سال

۱۹۱۶ ص ۳۹۷

در کتب ادب عربی فراوان می‌توان یافت (۱) اما از اواخر قرن چهارم به بعد از شورابینگونه انتقادها کاسته شد و پنداری که اندک - اندک، اعراب تعامی این اشعار را بعنوان آثاری اصیل و مرجع و پایه زبان تازی بشمار می‌آوردند. این اعتماد نسبت به مطلق، طی قرن‌ها همچنان بجای بود تا اینکه مجدداً در قرن ۱۹ میلادی خاورشناسان شعر جاهلیان را در غربال انتقاد ریخته و بگونه‌های مختلف درباره آن اظهار عقیده کردند.

«نولدکه» در سال ۱۸۶۴ برای نخستین بار

مشکوک بودن قسمتی از شعر جاهلی را مورد

بحث قرار داد. هشت سال بعد «اهلوارد»

مطالب نولدکه را با دقت و وسوسه‌گانی بیشتری

بررسی کرد و ضمن اشاره به ناهنجاری راههای

روایت شفاهی، اظهار داشت که موجودیت

شعر جاهلی از چند نظر مورد انتقاد است:

از نظر مؤلف، از شرایطی که در آنها سروده شده، و

از نظر ترتیب ابیات در قصائد و قطعات (۲). وی

می‌نویسد که اگر دیوانهای شش شاعر بزرگ

جاهلی را از غربال انتقاد بگذرانیم، می‌بینیم

که چیز عمده‌ای بجای نمی‌ماند. و نیز در این

مقدار شعر صحیح که بجای می‌ماند، باز از

نظر ترتیب ابیات و شکل ظاهری آنها

اطمینان کامل نداریم (۳).

نظریه نسبت به تعادل «نولدکه» و «اهلوارد»

مدت‌سی سال مورد قبول بزرگانی چون «سور»

...



نظر می کرده است (۱).

در سال ۱۹۲۵ بود که ناگهان مقاله شگفت آور مارگلیوت در انگلستان انتشار یافت (۲) و آشوبی میان محققین و دانشمندان برانگیخت.

مارگلیوت نخست شعر جاهلی را از ورای آیات قرآنی بررسی کرده بمخالفت های قرآن با شعرا اشاره می کند (۳).

سپس به بحث درباره آغاز شعر عربی می پردازد و بیان می کند که معلوماتی که درباره پیدایش شعر و نخستین شاعران تازی در کتابها آمده چقدر ناهماهنگ و مشکوک و افسانه ایست. براستی جای تعجب است که تاریخ دانانی چون «طبری» اشعاری بزرگان عربی روان به حضرت آدم نسبت داده اند.

مارگلیوت برای اینکه بتواند نابود شدن آثار جاهلی را ثابت کند ناچار است در وهله اول عدم انتشار کتابت و «شفاهی» بودن روایت شعر را روشن سازد و بعد به انتقاد روش نقل شفاهی و جنبه های غیر اخلاقی راویان بپردازد. و می نویسد: «اگر چند روایت و چند بیت شعر غیر مطمئن به وجود هنر نگارش در میان جاهلیان اشاره می کند، در عوض دلائل عمده و روایات بیشماری عدم وجود آنها ثابت می کند». درحقیقت دلائل او در دو مبحث کلی بیان شده: مبحث اول اشارات قرآنی به عدم آشنائی اقوام عرب با

کتاب و کتابت است. اما آنچه را مارگلیوت دلائل قرآنی بشمار آورده نظر او را ثابت نمی کند. مثلاً در آیه: «أم لکم کتاب فیه تدرسون» (۴) که خطاب به اهل مکه است، می پندارد که مراد از کتاب هرگونه نوشته است و سؤال قرآن از اهل مکه نشان میدهد که ایشان با هیچ کتابی آشنا نبوده اند. حال آنکه بنا به نظر تقریباً همه مفسرین مراد از کتاب، کتاب دینی و آسمانی است نه مطلق نوشته (۵).

مبحث دوم او که از نظر علمی چندان مورد اعتماد نیست در این خلاصه میشود که وی، برای پیدایش هنرهای مختلف، مانند موسیقی، رقص، نثر و شعر در میان اقوام ابتدائی ترتیب خاصی فرض کرده است و می نویسد در تطور ادبی، تحول همیشه از نظم نیافته به نظم یافته صورت می گیرد. چون شعر بنسب به جاهلی نظم نسبه کاملی دارد،

۱ - هوارت در مجله آسیائی JA سال

۱۹۰۴، ص ۱۴۲ به بعد، مقاله تحت عنوان

Une nouvelle source de Coran

۲ - مقاله تحت عنوان

The Origins of Arabic Poetry که در

JRAS (مجله انجمن سلطنتی آسیائی) سال

۱۹۲۵ ص ۴۱۷-۴۴۹ انتشار یافت.

۳ - بخصوص، «الشراء يتبعهم الغاوون...»

۴ - سوره فم آیه ۳۷.

۵ - رک به Blachère : Histoire ...

ص ۱۶۸، حاشیه.



اندک و مبهم چیزی در شعر منسوب بسه جاهلیت نمی‌توان یافت. از طرف دیگر این شاعران که از دینشان اطلاع دقیقی نداریم اغلب بصورت مردانی موحد و پای بند آئین‌های خدائی و بلکه بصورت مردانی مسلمان و آشنا به مبانی اسلام جلوه می‌کنند. ای بسا اتفاق می‌افتد که داستانهای قرآن و حتی کلمات و اصطلاحات قرآنی بصورت‌های گوناگون در اشعار منسوب بجاهلی وارد شده است. از آن جمله است اشاره بداستان «عاد» و «ثمود» و اصطلاحاتی چون «الحیة الدنیا»، «یوم القیامه» و «یوم الحساب» و جز این‌ها که بیش از همه در اشعار «زهیر بن ابی سلمی» و خاصه در «معلقه» او آمده است. بنابراین، شعری که تا این حد رنگ اسلام بر چهره آن ظاهر شده چگونه میتواند به قبل از اسلام منسوب گردد؟

موضوع دیگری که توجه مارکلیوت را جلب کرده مسأله زبان متحد عربی و وجود لهجات گوناگون در شبه جزیره عربستان است. وی در می‌یابد که زبان اشعار جاهلی، خواه اشعاری که در جنوب نظم یافته و خواه اشعاری که در شمال یا نقاط دیگر شبه جزیره سروده شده، همه به زبانی یگانه است. حال آنکه ما از طریق سنگ نبشته‌ها و اشارات متعددی که در کتب اسلامی آمده، از اختلاف عظیمی که میان لهجه‌های نقاط مختلف عربستان موجود بوده، خاصه از اختلاف میان زبان «يمن» و

باید در مراحل آخر تطور، و قرآن که نظم شعر را ندازد در مرحله قبل از شعر قرار گرفته باشد. بنابراین شعر منسوب به جاهلی بعد از عصر قرآن بوجود آمده است.

از آنچه گذشت مؤلف نتیجه می‌گیرد که شعر عرب تا اواسط قرن دوم بصورت شفاهی نقل می‌شده و از آن به بعد اندک اندک به ضبط آن به روی کاغذ همت گماشتند. بنابراین صحت این آثار با ارزش اخلاقی راویانی که آنها را نقل کرده‌اند رابطه مستقیم دارد. اما وقتی به بی‌ایمانی وی بند و باری «خلف احمر» و «حماد راویه» می‌نگریم، وقتی به شک دانشمندان عرب در صحت این اشعار و تردیدهائی که امثال «المبرد» برمی‌انگیزند می‌اندیشیم، هنگامی به اشکالات متعددی که در هر روش شفاهی موجود است نظری کنیم، یقین می‌یابیم که جعل در این دوران بشدت تمام رواج داشته و مردان قرن اول و دوم اسلام از شعر جاهلی جز خاطره‌ای بسبب چیزی در دست نداشته‌اند.

پس از مسائل بالا که دلائل عقلانی و تاریخی و اجتماعی یا با اصطلاح دلائل خارجی «مارکلیوت» را تشکیل می‌دهد، مؤلف خود شعر و محتوای آنرا مورد بررسی قرار میدهد و ملاحظه می‌کند در این اشعار تقریباً هیچ اشاره‌ای به ادیان جاهلی نیست، و حتی از مسیحیت که تا حد زیادی در شبه جزیره عربستان انتشار یافته بود جز اشارتی بسیار



شعر جاهلی در کتیبه‌های عربی جنوبی دلیل آن نیست که شعر وجود نداشته، بلکه تنها این را ثابت می‌کند که مردمان متمدن یمن با اعراب بیابان‌نشین رابطه فرهنگی نداشته‌اند گذشته از آن زبان اهل یمن لهجه‌ای خاص و کاملاً متمایز از عربی شمال است. این اختلاف بزرگ باعث می‌شود که زبان عربی شمالی در عربی جنوبی اثری بجای نگذارد. همچنین سزاوار نیست که برای داستانهای نکته‌آمیزی که دربارهٔ رومیان بزرگ نقل کرده‌اند اهمیت زیادی قائل شویم. این داستانها که خود اغلب بوجه اغراق‌آمیزی نقل شده‌اند نمی‌توانند دلیل استواری برفساد اخلاف همه رواه باشند، بویژه که بیشتر اشتباهات ایشان از روش نادرست نقل شفاهی

لهجه‌های شمال آگاهییم. مارگلیوت در تاریخ عربستان عاملی جز قرآن نمی‌شناسد که نیروی یگانه کردن لهجات عرب را داشته باشد. بنابراین اگر زبان متحد عربی بیاری قرآن بوجود آمده باشد پس چگونه می‌تواند قبل از اسلام نیز در میان شاعران همه قبائل رائج بوده باشد؟

ضمناً مارگلیوت اشاره می‌کند که در دوران پیش از اسلام در عربستان خاصه در یمن تمدن‌های نسبتاً معتبری وجود داشته که هر یک مقداری اثر بصورت سنگ نبشته بجای گذاشته‌اند. اما شگفت اینجاست که در این سنگ نبشته‌ها هیچ اشاره‌ای به شعر که یکی از عالی‌ترین پدیده‌های فرهنگ است نشده است (۱).

از همان زمانی که عقاید مارگلیوت در گوشه و کنار کتابها و مقالاتش منتشر می‌شد، گروهی از جمله «لیال» (مقدمه جلد دوم «المفضلیات»، ۱۹۱۸) در رد او مطالبی نوشتند. اما ظاهراً نخستین کسی که در رد عقاید مارگلیوت مقاله نوشت «براونلیش» بود (۲). وی ضمن بحث‌های مفصل خود می‌نویسد: در میان اقوام ابتدائی و بدون تمدن درخشان شعر همیشه وجود داشته است، زیرا شعر با تمدن مادی و اجتماعی رابطه‌ای ندارد. اسکیموها و ساکنان جزیره سلیمان و برخی اقوام دیگر با اینکه از تمدن عمده‌ای برخوردار نیستند باز با نوعی شعر که خاص خود ایشان است آشنائی دارند. و نیز نیافتن اشاره‌ای به

- ۱ - عقاید مارگلیوت در کتابها و مقالات متعددی مورد بحث قرار گرفته. از آن جمله است: Histoire...: Blachère, ۱۶۷-۱۷۰ مصادرات الشعر الجاهلی ص ۳۵۲-۳۶۷، شوقی ضیف، تاریخ الادب العربی، قاهره، ۱۹۶۰، ص ۱۳۹.
- ۲ - Braünlich در دو مقاله، یکی در مجله OLZ (مجله ادبیات شرقی) لپزیک، ۱۹۲۶، ص ۸۳۳ - ۸۲۶ تحت عنوان Compte rendu de l'article de Margoliouth دیگری در مجله der Islam شماره ۲۴ سال ۱۹۳۷ ص ۳۱۷ تحت عنوان «بررسی اشعار کهن عرب از نقطه نظر ادبی - تاریخی». برای شرح نظریه او رج به ... Histoire : Blachère ص ۱۷۰ به بعد.



«تاریخ ادب العرب» که در سال ۱۹۱۱ منتشر شد بخش نسبتاً مفصلی را به انتقاد شعر جاهلی از نظر قدما اختصاص داد و بسیاری از آنچه را که دانشمندان عرب جعلی و منحول دانسته‌اند نقل کرد. اما روش او روش علمای گذشته است و اثر بارزی از روش انتقاد جدید در کتاب او دیده نمی‌شود.

اما طه حسین که در مکتب اروپا درس خوانده بود و با روش انتقاد دانشمندان غرب آشنائی یافته و بی‌تردید تحت تأثیر مارگلیوت نیز قرار گرفته بود، با شدت و بی‌پروائی شکست‌آوری به انتقاد از شعر معروف به جاهلی پرداخت (۳).

«طه حسین» در حقیقت تمام مطالب مارگلیوت را (باستثنای چند مورد که چندان استوار نیست، مانند نظریه‌ای که بر اساس تحول هنر ارائه داده یا اینکه قرآن خود

۱ - رک به Blachère : Histoire...

ص ۱۷۳

۲ - رک به Lyall در مقدمه مفصلی که

بر دیوان عبید بن ابرص نوشته. ترجمه عربی آن توسط حسین نصار در «الثقافة» شماره ۶۴۵، سال ۱۹۵۱ چاپ شد. نیز رک به، Levi Della Vida : The Arab Heritage

نیوجرسی، ۱۹۴۴ ص ۴۸-۴۱. برای بحث در اینجا در مورد رک به «مصادر الشعر الجاهلی» ص ۳۷۲ - ۳۷۷.

۳ - نخستین کتاب او «فی الشعر الجاهلی» در سال ۱۹۲۶ دومین کتاب «فی الادب الجاهلی» در سال ۱۹۲۷ در قاهره انتشار یافت.

سرچشمه گرفته است نه از سوءاخلاق و رفتارشان.

و نیز بیجاست که تصور کنیم قرآن، خاصه سوره «الشعراء» باعث برانگیختن «جعل» در شعر جاهلی شده باشد. زیرا قرآن خود در آغاز امر با هرگونه شعر مخالف می‌ورزید.

دلالتی که «براونلیش» در رد عقاید «مارگلیوت» ارائه داده استوار و مورد قبول اکثر دانشمندان است، اما خود او نیز گمان نبرده است که تمام اشعار جاهلی براساسی قبل از اسلام سروده شده‌است، زیرا اشکالات اساسی روایت شفاهی و کثرت جعل و نحل در آغاز اسلام مسائلی است که در آنها تردید نمی‌توان کرد. بطور کلی وی معتقد است که در آغاز اسلام سنت شعری عمده و مورد توجهی موجود بوده است. اما این سنت شعری اجباراً دلیل بر آن نیست که اکثر اشعار جاهلی جعلی

نباشد. این نظر را اکثریت خاورشناسان پذیرفته‌اند، جز اینکه در «مقدار آنچه بجای مانده است» اختلاف کرده‌اند. «اهلوارد» و «نولدکه» با نظر مساعدتری باشعار جاهلی می‌نگرند (۱)، «لیال» و «لوی دولویدا» (۲) در اثبات توده عظیمی از آنها کوشیده‌اند.

اما در شرق اولین و شاید تنها کسی که از مارگلیوت پیروی نموده در صحت شعر جاهلی بشدت تردید کرد دکتر «طه حسین» ادیب معروف مصر بود. خوب است اشاره کنیم که پیش از او «مصطفی صادق الرافعی» در کتاب





بوده و این چنین عزیز می‌داشتند ناگهان جعلی و غیر اصیل بخوانند. باین جهت در رد عقاید «طه حسین» صدها کتاب و مقاله نوشته شد که متأسفانه همه آنها از اغراق‌گوئی و ستیزخوئی خالی نبود (۱). معذک باید گفت که کتابهای طه حسین روش انتقاد شعر و چگونگی تاریخ ادب نویسی را در جهان عرب برای تازه هدایت کرد.

بطور کلی میتوان نظریه طه حسین را چنین خلاصه کرد که: «تمام شعر جاهلی جعلی نیست لکن آن مقدار که برآستی از عصر جاهلی مانده، بقدری مبهم و دست خورده و پریشان است که نمی‌توان اثری بر آن مترتب کرد».

به این ترتیب نظریه او با نظریه خاور شناسانی چون «گلدتسهر»، «تورآندرای»، «مارسه

۱ - عمده ترین این کتابها عبارتند از:

محمد فرید وجدی، «نقد کتاب الشعر الجاهلی»، محمد لطفی جمعة، «الشهاب الراسد»، محمد الخضر حسین، «نقض کتاب فی الشعر الجاهلی»، محمد الخضری، «محاضرات فی بیان الاخطاء العلمیة التاریخیة التي وردت فی کتاب فی الشعر الجاهلی»، محمد احمد احمد غمراوی، «النقد التحلیلی لکتاب فی الشعر الجاهلی». همچنین تمام کسانی که در تاریخ شعر عربی کار کرده‌اند عقاید طه حسین را مورد بحث قرار داده‌اند. بروکلین فهرستی از آثار آنی که در رد عقاید طه حسین نوشته شده داده است رک به GLA ذیل اول ص ۳۲، نیز رک به «مصادر الشعر الجاهلی»، ص ۴۰۲.

انگیزه جعل بوده) اخذ کرده آنها را با اسلوب بسیار زیبا و جذابی که خاص اوست در کتاب «فی الشعر الجاهلی» عرضه داشته است. در کتاب دوم «فی الادب الجاهلی» اکثر همان مطالب را با گسترش بیشتری و با ذکر دلائل تاریخی تازه‌ای ارائه می‌دهد. این کتاب به هفت بخش یا «کتاب» تقسیم شده، مؤلف در بخش سوم کوشیده است بجای قرآن که به عقیده مارگلیوٹ باعث جعل و نحل بوده، انگیزه‌های تازه‌ای بیابد، انگیزه‌هایی که او ذکر کرده به ترتیب عبارتند از:

۱. سیاست یا مبارزات سیاسی و قبیله‌ای.
۲. دین و تعصبات شدید مذهبی.
۳. پیدایش تفسیر و گسترش افسانه‌های عامیانه که از نظر او بسیار مهم بوده است.
۴. شعوبیه یا نژادپرستی اقوام بیگانه‌ای که به عربستان آمده بودند.
۵. راویان که در درستی روش روایت و در پای بند بودن آنان به مقیاس‌های اخلاقی آن روزگار تردید بسیار است.

بخش چهارم و پنجم کتاب به بحث در باره چندین تن از مشهورترین شاعران جاهلی و اثبات جعلی بودن اشعار و اخبار منسوب به آنان اختصاص داد. در بخش ششم از تعریف شعر و انواع و اغراض آن و در بخش هفتم از نثر جاهلی سخن میرود.

طبیعتاً برای شعر شناسان عرب بسیار دشوار بود شعری را که قرن‌ها سرچشمه لذت



«ورقه» و «امیه بن ابی الصلت (۲)» دانسته شده‌اند نیز توسط مسلمانانی آشنا به مبانی اسلام پرداخته شده. همچنین در جعلی بودن اشعاری که در خلال افسانه‌هایی چون داستان لیلی و مجنون آمده تردید نمی‌توان کرد.

البته در میان قصائد و قطعات بزرگ جاهلی نیز ابیات جعلی فراوانی راه یافته که از نظر محقق پوشیده نمی‌تواند ماند. اما در مورد بقیه اشعار نمی‌توانیم بقطع نظری بدهیم و بی‌گمان این تردید برای همیشه بجای خواهد ماند زیرا ما امروز دیگر نمی‌دانیم کدام شعر رنگ و بوی جاهلی خود را صد در صد حفظ کرده است تا اساس ارزشیابی اشعار دیگر قرار گیرد. معذک این توده عظیمی که به عصر جاهلی منسوب است لامحاله انعکاسی از شعر جاهلی در بردارد. (۳)

(ادامه دارد)

«تریتون»، «گودفروا»، «دومونین» و «براونلیش» اختلاف چندانی ندارد. در میان این دسته تنها در مورد اهمیت و مقدار «آن اصیل جاهلی که بجا مانده» اختلاف است (۱). «بلاشر» با اینکه در اغلب موارد از عقاید مستشرقین فوق پیروی کرده، باز بوجود مقدار نسبتاً مهمی از شعر اصیل جاهلی اعتقاد دارد. اما می‌نویسد «این انتقادات دامن‌گیر شعر آغاز اسلام نیز میشود. در مورد نثر جاهلی بقدری شک و تردید فراوان است که بجرات می‌توان گفت که حتی یک خط نثر از آن زمان بدست ما نرسیده. اشعار جعلی منسوب به جاهلی به صورت‌های گوناگون جلوه می‌کنند: برخی قطعات زیبایی هستند که از سنت‌های جاهلی پیروی می‌کنند و ماده‌ای هم از اصل جاهلی در خود دارند. دسته‌ای دیگر، ساخته‌های کودکانه و ناشیانه‌ایست که جعلی بودن آنها از نظر محقق مجرب پوشیده نیست.

بطور کلی از میان این اشعار، آنچه را نویسندگانی از قبیل «ابن هشام» در «السیره» و «عبید بن شریه» در «کتاب التیجان» و «ابوالفرج» در «اغانی» به اجداد و یا اکثر اطرافیان حضرت رسول نسبت داده‌اند باید جعلی دانست. همچنین اشعاری که به پیامبران گذشته چون حضرت آدم، یا به عمالقه، عاد، ثمود و غیر آنها منسوب کرده‌اند نیز اصالت جاهلی ندارد. مقدار زیادی از اشعار که رنگ دینی شدیدی دارند و از آن شاعرانی چون

۱ - Blachère : Histoire... ۱۷۳

۲ - در مورد انتقاد اشعار دینی منسوب به عصر جاهلی، و خاصه اشعار امیه رک به بحث جالب وارزنده آندره

T. Andrae : Les Origine de l'islam et le christianisme ; traduit de l'allemand. Paris, 1955.

۳ - Blachère : Histoire... ۱۸۸-